خبرها

مشکل اجرای کنسرت‌های موسیقی در فضای باز برطرف می‌شود

ایرنا: معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: برخی ناهماهنگی ها و امنیت و سلامت اجرای کنسرت های موسیقی در فضای باز، با رایزنی های انجام شده با نیروی انتظامی برطرف می شود.

برگزار نشدن و برخی موانع ساختاری، اجراهای موسیقی را در ماه های اخیر با مشکلاتی روبه رو کرده است. «محمدحسین ایمانی خوشخو» روز شنبه افزود: برخی ناهماهنگی ها اجرای کنسرت های موسیقی را با مشکلاتی روبه رو کرده که در برخی موارد موجب برگزار نشدن این کنسرت ها شده است. وی توضیح داد: ناهماهنگی بین صدور مجوز و اجرای عمومی که با حمایت اداره اماکن نیروی انتظامی صورت می گیرد، برنامه اجرای کنسرت های موسیقی را تحت الشعاع قرار داده است. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: برای اجرای مناسب، سالم و حفظ امنیت کنسرت های موسیقی، معاونت هنری در حال رایزنی با نیروی انتظامی است و امیدواریم مشکلات به وجود آمده به زودی برطرف شود. وی در عین حال، اجراهای سالنی را بدون مشکل و طبق برنامه عنوان کرد و افزود: بیشترین موانع برای اجراهای باز و تماشاگران بیش از هزار نفر است که متاسفانه مکانی برای این گونه اجراها در کشور وجود ندارد. ایمانی خوشخو به سیاست های فرهنگی در حوزه موسیقی اشاره کرد و گفت: مبنای حرکت موسیقی مبتنی بر اصول فرهنگی کشور و در موارد تخصصی براساس نظرات راهگشای رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

او تصریح کرد: اصل حمایت از این رشته و جایگاه موسیقی در میان هنرهای کشور مشخص بوده و درباره چگونگی حمایت و نحوه فعالیت در این حوزه خوشبختانه اختلاف نظری میان مدیریت هنری و اساتید و پیشکسوتان این حوزه وجود ندارد. معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یادآور شد: همه بر این باورند که موسیقی باید در ادامه مسیر حرکت فرهنگی کشور و متصل به هویت ایرانی باشد و از آسیب ها و تهدیدها مصون باشد. ایمانی خوشخو به تهدیدها و آسیب های حوزه موسیقی اشاره کرد و افزود: این آسیب ها ناشی از حرکت های بیرونی (بیرون از مرزها و بیرون از جامعه موسیقی) است. او توضیح داد: ایجاد زمینه ارتباط منطقی میان نسل جوان هنرمند و پیشکسوت های موسیقی از سویی و مخاطبان دیروز و امروز موسیقی ایرانی می تواند این حوزه را از آسیب های احتمالی مصون سازد.

همنشینی موسیقی ایرانی و موسیقی سمفونیک در آلمان

مهر: ارکستر سمفونیک تهران «فیه مافیه ۳» را با آواز «سالار عقیلی» در جشنواره اسنابروک آلمان اجرا می کند. نادر مشایخی رهبر ارکستر سمفونیک تهران با اعلام این خبر درباره وضعیت ارکستر سمفونیک گفت: خوشبختانه ارکستر در شرایط بسیار مناسبی به سر می برد و نوازنده ها با علاقه تمرین ها را دنبال می کنند. وی درخصوص حضور نوازنده های بازنشسته و شرایط حضورشان در آلمان گفت: همان طور که پیش از این گفته بودم نوازنده های بازنشسته می توانند به صورت پروژه ای با ارکستر همکاری کنند که خوشبختانه این شیوه باعث شده اغلب نوازنده های بازنشسته بتوانند در سفر آلمان همراه ما باشند. رهبر ارکستر سمفونیک تهران به مطلوب بودن کلی شرایط اشاره کرد و درباره «فیه ما فیه ۳» افزود: این قطعه در حقیقت گفتمان سوم من با «فیه ما فیه» است. پیش از این دو قطعه براساس «فیه ما فیه» ساخته ام که در خارج از ایران اجراهای موفقی داشته است. مشایخی در ادامه عنوان کرد: این آهنگ محصول همنشینی موسیقی ایرانی و موسیقی سمفونیک است که در قسمتی از آن سالار عقیلی آواز ایرانی اجرا می کند و در بخشی دیگر «حریر شریعت زاده» تکنوازی دف خواهد داشت. این قطعه لایه ای دیگر نیز دارد که در آن قسمت عمده به عهده موسیقی سمفونیک است.

جشنواره تابستانی موسیقی دانشگاه امیرکبیر

خبرگزاری میراث فرهنگی: جشنواره تابستانی موسیقی دانشگاه امیرکبیر از ۱۴ تا ۳۰ مرداد در این دانشگاه برگزار می شود. در این جشنواره که توسط کانون موسیقی دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار می شود، دو کارگاه ساخت و تعمیر تار و سه تار، جلسات سخنرانی و نشست و بررسی موسیقی و یک کنسرت موسیقی برپا می شود. بیست و یکم و بیست و هشتم مردادماه ساعت ۱۰ تا ۱۲ نیز رامین جزایری و غلامرضا هاشمی کارگاه های آموزشی شناخت و تعمیر تار و سه تار را برگزار می کنند. همچنین در طول برگزاری این جشنواره، بهرام جمالی با برگزاری کارگاه تئوری موسیقی، سلفژ و نت خوانی به آموزش موسیقی می پردازد. جلسه سخنرانی حمیدرضا اردلان و محمدرضا اصلانی نیز بیست و چهارم مردادماه درباره موسیقی نواحی ایران برگزار می شود. سی ام مردادماه هم کنسرت موسیقی سنتی به سرپرستی هومان رومی در تالار این دانشگاه به اجرا درمی آید.

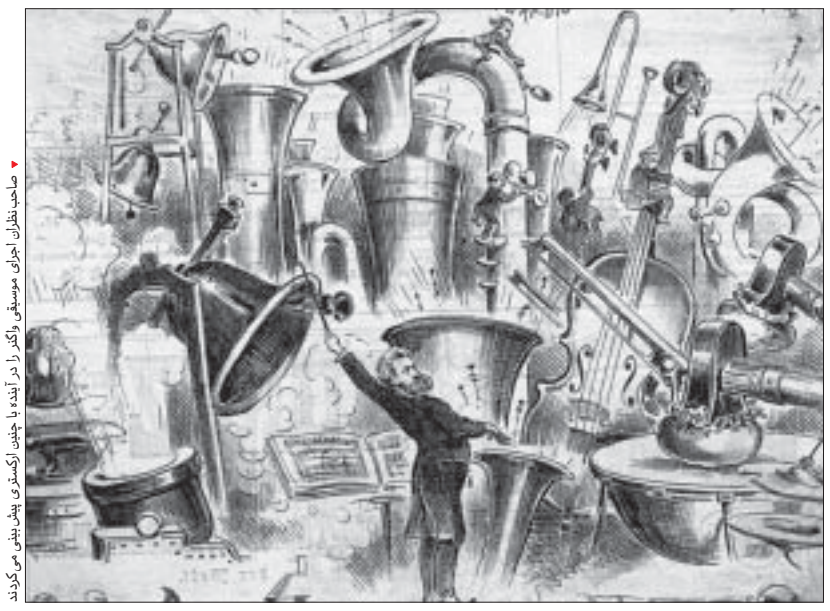

صاحب‌نظران اجرای موسیقی واگنر را در آینده با چنین ارکستری پیش‌بینی می‌کردند

واگنر، تولد تراژدی

علاءالدین حسینی

بخش اول

ویلهلم ریشارد واگنر، آهنگساز، رهبر ارکستر، نظریه پرداز و مقاله نویس متنفذ موسیقی است. شهرت واگنر بیشتر به خاطر اپراهای اوست که خود، آنها را درام موسیقایی می نامید. آثار - به خصوص اخیر - او به خاطر بافت کنترپوانتیک، هارمونی، ارکستراسیون غنی و استفاده درخشان از لایت موتیف مشهورند. زبان موسیقی کروماتیک او در شکل گیری موسیقی کلاسیک اروپا به خصوص استفاده از کروماتیسم و آتونالیته موثر بود. واگنر در بین سیاسیون نیز به خاطر افکار ضدیهود و نقطه نظرات سیاسی اش از شهرت خاصی برخوردار است.

ریشارد واگنر به تاریخ ۲۲ مه ۱۸۱۳ در لایپزیک آلمان متولد شد. پدرش کارمند جزء شهرداری بود که شش ماه پس از تولد واگنر دار فانی را وداع گفت. مادرش با لودویک گایر یهودی ازدواج و خانواده به «درسدن» نقل مکان کرد. هنگامی که ریشارد شش سال داشت، گایر نیز از دنیا رفت و بدین گونه بود که رشد و نمو او زیر نظر مادر ادامه یافت.

واگنر نخست سودای نویسندگی در سر داشت، شیفته بتهوون بود و موسیقی را صرفاً برای تقویت حسن نویسندگی ادامه می داد. با ثبت نام در دانشگاه لایپزیک (۱۸۳۱) او وارد دنیای حرفه ای موسیقی شد و در سال ۱۸۳۳ زمانی که فقط ۲۰ سال داشت اولین اپرای خود با نام ساحره ها را تصنیف کرد که تا نیم قرن بعد یعنی تا سال ۱۸۸۳ به اجرا درنیامد. در سال ۱۸۳۶ دومین اپرای او با نام تحریم عشق پس از دو بار اجرا در مدبورگ از صحنه پایین آمد و آهنگساز را در مشکلات مالی جدی قرار داد.

در ۲۴ نوامبر ۱۸۳۶ واگنر با بازیگر سرشناسی با نام کریستین ویلهلمین ازدواج کرد (نام هنری او مینا پلانر بود). اما هنوز چند هفته ای از زندگی مشترکشان نگذشته بود که مینا با یک افسر ارتش گریخت ولی این واقعه عشقی که گویا برای این افسر ارتش به اندازه مینا جدی نبود موجب شد تا بدون هیچ گونه پشتوانه مالی رها شود. واگنر مینا را بازگرداند اما این کار مانع از آن نشد که زندگی مشترکشان سه سال بعد در نهایت فلاکت خاتمه نیابد.

تا سال ۱۸۳۹ واگنر چنان بدهی های سنگینی بار آورده بود که ناگزیر از دست طلبکاران از لندن به ریگا گریخت. طرح تصنیف اپرای «هلندی پرنده» در این سفر ریخته شد. خانواده واگنر سال های ۱۸۴۱-۱۸۴۰ را در پاریس گذراند. ریشارد در این دوران از طریق نگارش مقالات و رهبری اپراهای آهنگسازان دیگر کسب معاش می کرد. اپراهای راینتسی و هلندی پرنده در همین زمان تکمیل شدند.

راینتسی در سال ۱۸۴۰ به اتمام رسید و بیشتر تحت نفوذ و تاثیر مایربر (آهنگساز آلمانی و از پیشگامان مکتب رومانتیک) برای اجرا در تئاتر هوفوبر درسدن در ایالت ساکسونی آلمان انتخاب شد. این اپرا موفقیت قابل توجهی در درسدن کسب کرد و از این رو واگنر و همسرش در سال ۱۸۴۲ عازم این شهر شدند. واگنر در طول شش سال اقامت خود در این شهر توانست رهبری ارکستر ساکسون را به دست آورد. در طول همین مدت او اپراهای هلندی پرنده و تانهاوزر را نوشت و به اجرا درآورد.

آخرین سال اقامت او در درسدن (۱۸۴۸) مصادف بود با جنبش ناسیونالیستی که در ایالت های مستقل آلمان قوت می یافت و خواهان آزادی های بنیادی و اتحاد ایالت های ضعیف برای تشکیل ملت واحد بود. واگنر با پذیرش مهمان های سیاسی جناح چپ از جمله آگوست روکل و میخائیل باکونین درگیر این جنبش شد (برخی از جمله پروفسور راجر کیمی ین در کتاب «درک و دریافت موسیقی» معتقدند زندگی او در درسدن به سبب قرض های تلنبار شده تازه روز به روز دشوارتر می شد. واگنر با این امید که در وضعیت اجتماعی تازه قرض هایش به فراموشی سپرده شود و شرایطی مساعد برای هنرش فراهم آید، در شورش درسدن شرکت کرد، نارنجک های دستی سفارش داد و کوشید سربازان پادشاه را به نافرمانی وادارد.) با شکست این شورش، روکل و باکونین به حبس های طولانی مدت محکوم شدند و واگنر به پاریس و از آنجا به زوریخ گریخت. اپراهای لوهنگرین که قبل از آشوب های درسدن به اتمام رسیده بود به درخواست واگنر توسط فرانتس لیست - آهنگساز و پیانیست مشهور مجارستانی (۱۸۸۶-۱۸۱۱) - در آگوست ۱۸۵۰ در وایمار اجرا شد. در طول ۱۲ سال اقامت در زوریخ واگنر هیچ اپرایی ننوشت و در عوض مجموعه ای از مقالات مهم به رشته تحریر درآورد. مقاله «کار هنری آینده» (۱۸۴۹) شامل نظریات او درخصوص اپرا به عنوان «اثر جهانشمول» است. در این درام موسیقایی تمام هنرها از جمله موسیقی، شعر، نمایش، نقاشی، صحنه پردازی و... به یکدیگر آمیخته، اثری واحد خلق می کنند.

«یهودیت در موسیقی» (۱۸۵۰) دیگر مقاله او علیه آهنگسازان یهودی است و «اپرا و نمایش» (۱۸۵۱) دربرگیرنده دیدگاه های او درخصوص ایده های زیبایی شناسی است که او در اپراهای حلقه نیبلونگ استفاده کرده است.

در سال ۱۸۵۴ گئورگ هروه دوست شاعر واگنر او را با آثار و عقاید آرتور شوپنهاور (۱۸۶۰ - ۱۷۸۸) آشنا ساخت. واگنر این اتفاق را مهمترین حادثه عمر خود می نامید. شاید وقایع زندگی شخصی واگنر و نظریات شوپنهاور درخصوص موسیقی در گرایش او به فلسفه بدبینانه شوپنهاور به زندگی - که در مورد موسیقی کاملاً ستایش آمیز بود- در این گرایش تاثیری فراوان داشت.

شوپنهاور معتقد بود موسیقی از آن رو که با جهان مادی ارتباط ندارد از سایر هنرها متمایز است و این نظر با نظریه واگنر درخصوص موسیقی «اپرا و نمایش» مطابقت داشت که موسیقی را بالاتر از هنرهای دیگر می دانست.

بدون شک بسیاری از جنبه های نظریه شوپنهاور در لیبرتوهای بعدی واگنر از جمله تانهاوزر شاعر و خواننده قرون وسطی و هانس زاکس - کفاش شاعر - شخصیت های مرکزی اپراهای تانهاوزر و استاد آوازخوان نورنبرگ راه یافت. این دو شخصیت از تاثیرگذارترین شخصیت های اپراهای واگنر هستند.

واگنر در سال ۱۸۵۴ نسخه ای از حلقه نیبلونگ به همراه تقدیرنامه ای از فلسفه موسیقی شوپنهاور برای او فرستاد.

دومین الهام بخش واگنر در این سال ها آشنایی او با ماتیلده وزندونک شاعر و نویسنده بود. او همسر اتوفون وزندونک تاجر ابریشم بود. واگنر در سال ۱۸۵۷ در زوریخ با این خانواده آشنا و شدیداً دلباخته ماتیلده شد. اگرچه ظاهراً ماتیلده نیز علایقی به واگنر داشت، اما دوست نداشت زندگی زناشویی خود را به مخاطره افکند. از این رو ارتباط خود با واگنر را به شوهرش اطلاع داد.

اما همین رابطه موجب شد تا واگنر اپرای حلقه نیبلونگ را کنار گذاشته و کار روی اپرای تریستان و ایزولده را آغاز کند که برداشتی از یک داستان عاشقانه قرون وسطی و حکایتگر رابطه شوالیه تریستان با زنی متاهل با نام ایزولده است.

در سال ۱۸۵۸ مینا نامه واگنر به ماتیلده را کشف کرد و به این رابطه خاتمه داد. در اثر منازعه بین او و واگنر، واگنر زوریخ را به قصد ونیز ترک گفت. یک سال بعد او مجدداً برای نظارت بر اجرای جدیدی از تانهاوزر که با تلاش پرنسس پائولین دمترنیخ (همسر سفیر اتریش) به صحنه رفته بود عازم پاریس شد. اجرای جدید تانهاوزر در سال ۱۸۶۱ با شکستی کامل مواجه شد که همین امر موجب لغو اجراهای بعدی شد و واگنر به سرعت شهر را ترک گفت. در همین سال تحریم هایی که علیه واگنر بود از میان برداشته شد و او در بایریخ پروس اقامت گزید. در همین محل بود که کار بر روی «استاد آوازه خوان» را آغاز کرد.

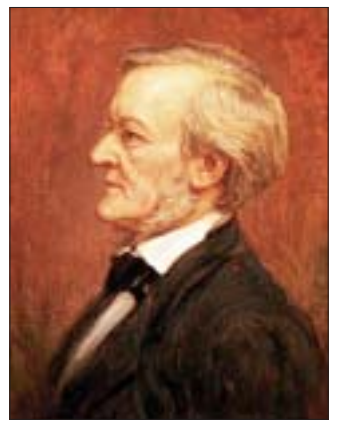

در سال ۱۸۶۲ واگنر از مینا جدا شد، هر چند تا زمان مرگ مینا در سال ۱۸۶۶ کمک های مالی به او را قطع نکرد.

سال ۱۸۶۴ نقطه عطفی در زندگی هنری واگنر بود. با بر تخت نشستن شاه لودویک سوم (۱۸۸۶-۱۸۴۵) در سن ۱۸ سالگی اوضاع به کام واگنر شد. شاه جوان که از بچگی عاشق اپراهای واگنر بود، او را به مونیخ آورد، بدهی هایش را پرداخت و مقدمات تولید اپرای جدید او را فراهم آورد و بدین گونه بود که اپرای تریستان و ایزولده در دهم ژوئن ۱۸۶۵ با موفقیت در سالن اپرای مونیخ به اجرا درآمد.

در همین زمان واگنر درگیر یک پرونده عشقی دیگر شد و این بار با کوزیما فون بولو (۱۹۳۰-۱۸۳۷) همسر هانس فون بولو که رهبری اپرای تریستان و ایزولده او را نیز بر عهده داشت. کوزیما دختر فرانس لیست و کنتس ماری داگو و ۲۴ سال جوان تر از واگنر بود. لیست اگرچه دوست واگنر بود اما قلباً موافق دیدار دخترش با او نبود. هرچند او هر آنچه که خود کاشته بود را می درود. ماری داگو همسر لیست نیز قبلاً شوهر خود را ترک و زندگی خود با لیست را آغاز کرده بود.

در سال ۱۸۶۵ کوزیما نخستین فرزند واگنر را به دنیا آورد که ایزولده نام گرفت. در دسامبر همان سال شاه لودویک سرانجام مجبور شد از واگنر بخواهد تا مونیخ را ترک گوید.

لودویک ویلایی در تریبشن در کنار دریاچه «لوسرن» سوئیس را برای اقامت واگنر برگزید. «استاد آوازخوان» در سال ۱۸۶۷ در همین محل تکمیل و در ۲۱ ژوئن سال بعد در مونیخ به اجرا درآمد. در ماه اکتبر همان سال کوزیما سرانجام همسرش را متقاعد به طلاق و در آگوست ۱۸۷۰ با واگنر ازدواج کرد. لیست تا چند سال بعد با داماد جدیدش صحبت نمی کرد. در کریسمس همان سال واگنر ازدواج کرد.

واگنر داستان زیگفرید را به مناسبت تولد کوزیما به او تقدیم کرد. ازدواج واگنر با کوزیما تا پایان عمر ادامه داشت و یک دختر دیگر با نام اوا و یک پسر به نام زیگفرید حاصل این ازدواج بود.

در همین محل بود که فردریش نیچه (۱۹۰۰-۱۸۴۴) فیلسوف شهیر آلمانی با واگنر آشنا شد. نیچه ۳۱ سال کوچک تر از واگنر بود و همین تفاوت سن در تاثیر پذیری او از واگنر دخیل بود.

آشنایی این دو منجر به یک دوستی عمیق شد. نیچه نخستین کتاب خود با نام «تولد تراژدی» (۱۸۷۲) را به واگنر تقدیم کرد. اما این ارتباط در نهایت با سرعت فروکش کرد و نیچه در کتاب های «وضع واگنر» (۱۸۸۸) و «نیچه علیه واگنر» (۱۸۸۹) از واگنر با عناوینی همچون «رو به انحطاط» و «فاسد» توصیف و حتی دیدگاه های اغراق آمیز قبلی خود را نیز نقد کرد. ماجرای این رابطه و قطع آن یکی از مباحث همیشگی کتب فلسفه و موسیقی است که نظر به اهمیت موضوع جداگانه به آن خواهم پرداخت.

واگنر در همین محل تمام انرژی خود را معطوف به تکمیل کردن حلقه نیبلونگ کرد. با درخواست لودویک اجراهای خاصی از قسمت اول (طلای راین) و قسمت دوم (والکوره) در مونیخ اجرا شد اما واگنر اصرار داشت قسمت چهارم نیبلونگ را در اپراخانه ای جدید و با طراحی خاص به اجرا درآورد و بدین منظور شهر کوچک بایروت را انتخاب کرد. با عزیمت خانواده واگنر در سال ۱۸۷۲ به این شهر سنگ بنای اولیه اپراخانه بایروت ریخته شد. برای کمک به این طرح عظیم «جامعه واگنر» در چند شهر تشکیل شد و واگنر شخصاً برای رهبری ارکسترها به سرتاسر آلمان مسافرت کرد. با کمک مالی عظیم لودویک در سال ۱۹۷۴ ساخت اپراخانه جدی تر شد و یک سال بعد واگنر به محل دائمی خود در بایروت نقل مکان کرد و سرانجام در سال ۱۸۷۶ با اجرای حلقه نیبلونگ اپراخانه افتتاح شد. امروزه نیز هرساله جشنواره ای از اپراهای مختلف جهان در بایروت برگزار می شود.

واگنر در سال ۱۸۷۷ کار بر روی آخرین اپرای خود پارسیفال را آغاز کرد. خلق این اثر چهار سال طول کشید. در این مدت واگنر چندمقاله واکنش برانگیز دیگر نیز نوشت. پارسیفال در سال ۱۸۸۲ به اتمام رسید و دومین فستیوال بایروت با اجرای این اپرا افتتاح شد. در شانزدهمین و آخرین اجرای پارسیفال واگنر با اینکه در سال های آخر عمر خود به شدت از حملات آنژین رنج می برد، مخفیانه خود را روی سن رساند، چوب رهبری را از دست هرمان لوی رهبر ارکستر گرفت و به ادامه رهبری اثر خود پرداخت.

در روز سیزدهم فوریه ۱۸۸۳ واگنر زمانی که با خانواده خود تعطیلات زمستانی را در ونیز می گذراند درگذشت و پیکرش پس از انتقال به بایروت در ویلای وانفرد دفن شد. کوزیما نیز که پس از درگذشت واگنر مدیریت فستیوال بایروت را بر عهده داشت روز اول آوریل ۱۹۳۰ درگذشت و در همان محل به خاک سپرده شد.

در قرن بیستم تصور عمومی جامعه از واگنر معطوف به فعالیت های ضدیهود او شد. استفاده نازی ها در دهه ۱۹۳۰ از موسیقی و نام واگنر موجب شد تا نام آهنگساز پس از ۵۰ سال و این بار از بعدی دیگر ورد زبان ها شود. واگنر در مقالات خود به کرات یهودی ها و به خصوص موسیقیدانان یهود را به عنوان عنصری مضر و بیگانه در فرهنگ آلمان توصیف کرده بود. او در اولین و بحث انگیزترین مقاله خود با نام «یهودیت در موسیقی» آهنگسازان یهودی معاصر (یا شاید رقیب) خود همچون مندلسون و مایربر را مورد نفرت عمومی توصیف کرد. او می نویسد: «مردم آلمان به خاطر ظاهر و رفتار غریب یهودیان از آنان گریزانند به طوری که با تمام وجود سخنان و نوشته هایمان در دفاع از آزادی یهودیان غریزتاً از هرگونه برخورد و تماس واقعی با آنها بیزاریم.» سپس نتیجه گیری می کند که آهنگسازان یهودی به خاطر همین دور بودن از روح حقیقی مردم تنها قادر به ساخت یک موسیقی ساختگی و توخالی هستند. از این رو آنها ذائقه عمومی در زمینه هنر را مسموم می کنند. وی خطاب به یهودیان می نویسد: «تنها یک چیز می تواند شما را از بار این نفرین رهایی بخشد، جبران اخشوروش غرق شدن است.»

به این ترتیب واگنر نظر خود را در جلوگیری از ورود یهودیان به فرهنگ عمومی اعلام می کند. چاپ این مطلب با نام مستعار (ک. آزاداندیش (K.Freigedank)) توجه زیادی را به خود جلب نکرد. اما چاپ دوم آن در سال ۱۸۶۹ با نام اصلی نویسنده زمانی که واگنر شهرتی برای خود به هم زده بود در کاهش محبوبیت موسیقی دانان یهود از جمله مایربر سهمی بسزا داشت. همین مقاله باعث بروز اعتراضات متعددی در زمان اجرای «استاد آوازخوان» شد.

واگنر نظرات مشابهی نیز در مقالات دیگر خود از جمله «آلمانی چیست؟» (۱۸۷۸) ابراز داشت (اگرچه برخی از جمله نیچه، لودویک گایر یهودی را پدر واقعی واگنر می دانند و از این رو اعتقاد به یهودی بودن خود او دارند) با این وجود او دوستان یهودی نیز داشت که از جمله آنان می توان به هرمان لوی رهبر ارکستر آخرین اثر او (پارسیفال) اشاره کرد. اگرچه واگنر اصرار داشت که او قبل از اجرای اثر غسل تعمید داده شود! او یکی از افراد حمل کننده تابوت واگنر در روز تشییع جنازه بود.

پس از درگذشت واگنر، بایروت مرکز تجمع جناح تندرو راست شد. ملی گرایان آلمانی جذب افسانه های اپراهایی شدند که ریشه در اسطوره ها داشتند. اینان زنان و مردانی بودند که حلقه بایروت را تشکیل دادند که ظاهراً در به قدرت رسیدن آدولف هیتلر (۱۹۴۵-۱۸۸۹) در سال ۱۹۳۴ نقشی مهم داشت. این گروه مورد تایید کوزیما نیز بود. (یکی از افراد حلقه بایروت، هوستون استیوارت چمبرلین (۱۹۲۷-۱۸۵۵) نویسنده انگلیسی تبار بود که به خاطر آثار فلسفی متعددی که در خصوص نژاد آریایی می نوشت شهرت داشت. او با اوا دختر واگنر ازدواج کرد.) پس از درگذشت کوزیما و زیگفرید اداره فستیوال بایروت بر دوش وینی فرد بیوه زیگفرید افتاد. او اصالتاً انگلیسی و از دوستان هیتلر بود.

از دید نازی ها موسیقی می بایستی در چارچوب یک موسیقی «خوب» آلمانی می بود واز این میان سه آهنگساز مظهر این نوع موسیقی بودند: لودویک وان بتهوون (۱۸۲۷-۱۷۷۰) آنتون بروکنر (۱۸۹۶-۱۸۲۴) و ریشارد واگنر (حزب نازی در زمینه موسیقی سیاست خاصی را دنبال می کرد، اعضای وفادار حزب که استعداد موسیقی خوبی دارند، تامین شغلی دارند اعضای وفادار حزب که استعداد موسیقی ندارند تضمینی برای شغل ندارند، هر هنرمند غیریهود که نشانی از نبوغ داشته باشد و عضو مجمع موسیقی رایش Reichsmusikkammer باشند اجازه فعالیت دارند. از این رو است که افراد سرشناسی همچون ریشارد اشتراوس (۱۹۴۹-۱۸۶۴) و هربرت فون کارایان (۱۹۸۹-۱۹۰۸) اجازه فعالیت در دوره حکومت نازی ها را به دست آوردند.) هیتلر علاقه ای وافر به واگنر داشت. او در سال ۱۹۳۳ دستور داد تا تمام گردهمایی های کنگره حزب ملی با اجرای اورتور «استاد آواز نورنبرگ» افتتاح شود. (این گردهمایی از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ به صورت سالیانه برگزار می شد) او حتی دستور داد تعداد یکهزار پلیت اضافی برای سران حزب نازی چاپ شود. با وجود این وقتی هیتلر وارد سالن شد متوجه تقریباً خالی بودن سالن شد. سال بعد دستور داد تا سران حزب حتماً در سالن حاضر شوند اما سران حزب در طول اجرای اپرا در حال چرت زدن بودند. از این رو در سال ۱۹۳۵ به دستور هیتلر بلیت ها بین مردم توزیع شد.

محبوبیت آثار واگنر نزد هیتلر موجب شد تا استقبال عمومی از این آثار در مقایسه با آثار آهنگسازان ایتالیایی، جوزپه وردی (۱۹۰۱-۱۸۱۳) و جاکومو پوچینی (۱۹۲۴-۱۸۵۸) کمتر شود به طوری که در فصل اجرای اپرا در سال ۱۹۳۹-۱۹۳۸ تنها یک اثر از واگنر در میان پانزده اپرای انتخاب شده وجود داشت. در این فصل اپرای پالیاچی (دلقک ها) اثر روجرو لئونکاوالو صدرنشین بود.

با وجود این نازی ها نمی توانستند تمام نظرات واگنر از جمله صلح جویی او را برتابند و توقیف «پارسیفال» در سال ۱۹۳۹ که مدت کمی از آغاز جنگ دوم جهانی می گذشت از همین جا نشأت می گرفت. این تحریم ها به نوعی دیگر از طریق اسرائیلی ها در خصوص تمام آثار واگنر اعمال می شود.

واگنر در موسیقی، هنر و فرهنگ نه تنها در زمان و مکان خود که در جهان و هر زمان تاثیرات مثبت و منفی فراوانی بر جای گذاشته است. واگنر جزء رمانتیسیست های آلمان قرن نوزدهم محسوب می شود ولی ابداعات و ابتکارات او در آثارش به خصوص تریستان و ایزولده در استفاده از کروماتیسم (استفاده از فواصل نیم پرده ای در موسیقی)، دیسونانس ها و لایت موتیف در سبک آهنگسازان پس از او در قرن بیستم نیز تاثیرگذار بوده است.

برخی تاریخ نگاران موسیقی، آکورد نامطبوع آغازین تریستان و ایزولده را پل رابطه بین رمانتیسیسم و موسیقی مدرن می دانند. استفاده کلود دبوسی آهنگساز امپرسیونیست فرانسوی از دبسونانس ها و آرنولد شوئنبرگ آهنگساز اکسپرسیونیست اتریشی از کروماتیسم ریشه در موسیقی واگنر دارد. از آهنگسازان دیگری که به نوعی از واگنر تاثیر پذیرفته اند علاوه بر بروکنر باید از سزار فرانک، ریشارد اشتراوس، هوگوولف، ارنست شوسون و ژول ماسنه نام برد.

با وجود این واگنر مخالفینی نیز داشت. مخالف اصلی واگنر در آن زمان گروهی بود به رهبری یوهان برامس که حمایت های ادوارد هانسلیک منتقد معروف آن زمان را با خود داشت. در عین حال یک نظر به اسامی این شخصیت های بارز که به عنوان مخالف واگنر شناخته شده اند خالی از لطف نخواهد بود: تئودور آدورنو، چارلز والنتین آلکان، ماکس بروخ، فلیکس مندلسون، فردریش نیچه، رابرت و کلارا شومان، پیتر ایلیچ چایکوفسکی، جیو آچینو روسینی، اریک ساتی و آنتون روبنشتاین.

گزارش

استقبال نهادهای مدنی در کابل از ترانه‌ای برای زنان

بی بی سی: بیش از ده نهاد جامعه مدنی در افغانستان از آهنگی که با هدف امیدوار کردن زنان افغان به آینده تهیه و اجرا شده استقبال گسترده ای کرده اند.

این نهادها در تقدیرنامه مشترکی از وجیهه رستگار خواننده این آهنگ و همسرش فرید رستگار (تنظیم کننده آهنگ) سپاسگزاری کرده اند. نام چندین نشریه و رادیوی محلی و انجمن های دفاع از حقوق زنان در فهرست استقبال کنندگان از آهنگ «زن» به چشم می خورد.

مطلع این ترانه که با آهنگی متفاوت از موسیقی رایج در میان آوازخوانان افغان اجرا شده، این شعر از سمیع حامد، شاعر افغان است:

بشکن بشکن بشکن / بشکن تو یخ ترانه را / بشکن دلسردی این زمانه را / بشکن بشکن بشکن.

آهنگ دیگری از وجیهه نیز که اجرای مشترک او همسرش فرید رستگار است و روحیه ای وطن پرستانه دارد در میان افغان های ساکن اروپا شهرت بسیاری یافته است. این آهنگ و تصنیف آن را نیز سمیع حامد ساخته است.

حامد که در کابل برای انجمن جهانی قلم کار می کند، می گوید که یکی از مهمترین دلایل ادامه خشونت و ویرانی در افغانستان کاسته شدن از میزان وطن دوستی افغان ها بوده است. وجیهه و فرید رستگار، زوج هنری افغان، از سال ۱۹۹۲ میلادی تاکنون در آلمان زندگی می کنند. نخستین آلبوم آواز هدیه دختر این زوج هنری در ماه های پیش منتشر شد که مجموعه ای از ترانه ها برای کودکان است. در

حالی که در جنوب افغانستان شورشیان مخالف دولت مکاتب دخترانه را به آتش می کشند، در شمال این کشور، نهادهای مدافع حقوق زن یک مکتب آموزش موسیقی و آوازخوانی دختران را راه اندازی کرده اند. مرکز آموزش موسیقی دخترانه مزارشریف از سوی انجمن هنرمندان افغانستان و با همکاری مالی نهاد جامعه مدنی این کشور با هدف «رشد هنر موسیقی به ویژه در میان دختران» در ولایت های شمالی افغانستان تازه آغاز به کار کرده است.

معصومه نظری که به کمک چند همکار دیگرش ابتکار راه اندازی این مرکز آموزش موسیقی را به دست دارد می گوید: «این پروژه نه هزار دلار هزینه برده و ظرف چند روزی که از آغاز فعالیت آن می گذرد، ۱۵ دختر ثبت نام شده اند که عملاً فراگیری آلات موسیقی و آوازخوانی را آغاز کرده اند.» دست کم ظرف پانزده سال گذشته، این نخستین مرکزی است که در آن فرصت آموزش هنر موسیقی و آوازخوانی برای دختران افغان فراهم شده است.

با این حال، نظری می گوید شرایط امنیتی و اجتماعی در مزارشریف که از شهرهای به نسبت آرام افغانستان به شمار می رود، مانع جدی بر سر راه برنامه های آنها به وجود نیاورده است.

با وجود آن وقتی که از این مرکز آموزش موسیقی دخترانه دیدن کردم، اغلب هنرآموزان، دختران جوان زیر ۱۸ سال بودند که پس از سال ها هجرت، تازه به کشورشان بازگشته اند و دخترانی که در مزارشریف بزرگ شده اند تاکنون جرات نکرده اند به این مرکز بیایند. مریم ۱۶ ساله که می خواهد نواختن گیتار را فراگیرد، می گوید وقتی که از والدینش خواست اجازه دهند او در این مرکز ثبت نام کند، ابتدا با واکنش سرد آنها روبه رو شد. اما او می افزاید که سرانجام با اصرار زیاد، پدر و مادرش به خواست او تن دادند. مریم می گوید نمی داند چگونه از هنر آوازخوانی و موسیقی می تواند در آینده بهره ببرد، ولی می افزاید که در حال حاضر از نواختن گیتار لذت می برد. خلیل باختری استاد گیتار مریم می گوید: «حیف است که از استعداد دختران برای شکوفا ساختن هنر موسیقی و آوازخوانی افغانستان استفاده نشود.»

به علاوه آموزش آوازخوانی، گیتار، ارگ، طبله و آرمونیه از آلات موسیقی است که هم اکنون در این مرکز آموزش داده می شود. مسئولان مرکز می گویند در نظر دارند آلات موسیقی بیشتری را بر آن بیفزایند. افغانستان دست کم در سه دهه گذشته درگیر جنگ بوده و به جای ساز و آواز، نفیر گلوله به گوش های مردم می رسید. در مناطق جنوبی این کشور هنوز هم جنگ ادامه دارد و ده ها مکتب دخترانه به آتش کشیده شده یا در اثر تهدیدهای روزمره شورشیان مخالف دولت بسته شده است. برخی از افغان ها خوشبین هستند که راه اندازی مرکز آموزش موسیقی برای دختران می تواند اینگونه تعبیر شود که به رغم کارشکنی ها و مانع تراشی ها برای پیشرفت و توسعه افغانستان، این کشور همچنان در مسیر توسعه و آزادی در حرکت است.